نگاه منتقد

به مناسبت فردا که روز حجاب و عفاف است

خاطرات مردم محله علی قلی آقای اصفهان

پونه فضائلی
منتقد ادبی

وقتی در اسفند ۱۳۰۶ برای اولین بار خانواده رضاخان میرپنج که حالا او را رضاشاه پهلوی می‌نامیدند بدون حجاب کامل به زیارت حضرت معصومه(س) رفتند، کسی فکرش را هم نمی‌کرد این ماجرا چه سر درازی پیدا خواهد کرد.

به‌تدریج ابتدا اجبار پوشیدن لباس متحدالشکل برای مردان تصویب شد و متعاقب آن، ممنوعیت پوشیدن لباس‌های بلند مردانه مانند عبا، قبا، لباده، سرداری و... . سفر رضاشاه به مملکت همسایه که حالا به ترکیه شهرت داشت، تیر خلاصی بود که بر بدنه فرهنگ پوشش ایرانیان به‌ویژه زنان فرود آمد.

اجبار در ترک حجاب و استفاده از لباس‌های فرنگی قانون شد و لاجرم مخالف‌کننده با قانون مجازات می‌شد. ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ اعتراض مردم مشهد به فرامینی که مخالف دیانت و تاریخ ایران و ایرانی بود، در مسجد گوهرشاد به خاک و خون کشیده شد تا دیگر کسی جرات مخالفت با فرمان شاه را نداشته باشد. زنان با حجاب در همه‌جا تحت تعقیب و آزار قرار گرفتند و برخی جان خود را بر سر ایمان و عقیده‌شان از دست دادند.

«ننگ‌سالی» خاطرات مردم محله علی‌قلی‌آقای اصفهان از آن دوران است که فائزه دره‌گزنی آنها را جمع‌آوری و تدوین کرده است. این اثر که در زمره تاریخ شفاهی به‌شمار می‌آید، حاصل یک پژوهش جمعی و شامل سه بخش است با نام‌های پرده‌نشین، شاه‌نشین و خاک‌نشین. بخش اول به موضوع کشف حجاب، بخش دوم به منع برپا کردن مراسم عزاداری و دیگر مناسبات مذهبی و بخش سوم به قحطی و بیماری طی آن سال‌ها پرداخته است.

کتاب براساس شنیده‌های زنان و مردانی است که عموما آن را از مادر یا مادربزرگ‌های‌شان نقل‌قول کرده‌اند. در قسمت اول بیشتر خاطرات به بیم و گریزها اختصاص دارد؛ روایت‌هایی که گرچه کمابیش مشابه است اما فراوانی آنها نشان از رنجی است که اکثر مردم با آن مواجه بودند.

در بخش دوم کتاب که به محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های شعائر دینی پرداخته، ما از یک‌سو با نحوه فشار حکومت و از سوی دیگر با عشق و علاقه افراد به برگزاری مراسم اهل بیت(ع) روبه‌رو می‌شویم. بخش پایانی هم مروری است بر خاطرات اهالی محله از قحطی‌هایی که در دوران دو جنگ جهانی اول و دوم در ایران رخ داد. در قحطی دوم که مصادف با اواخر حکومت رضاشاه است مردم علاوه بر تمام مشکلات دیگر با گرسنگی و فقری که به‌واسطه اشغال کشور توسط بیگانگان بر آنها تحمیل شده بود، دست به گریبان بودند. در پایان هربخش عکس برخی اسناد مربوط به آن و در انتها نیز تصاویر افراد ضمیمه این اثر است. این کتاب در سال ۱۴۰۱ توسط انتشارات راه‌یار چاپ و منتشر شده است.

زینب زارع در برنامه «جلد دوم» مطرح کرد؛

استقبال گسترده از کتاب سِد نصرالدین

برنامه گفت‌وگومحور جلد دوم از تلویزیون اینترنتی کتاب با حضور امیر خیام، نویسنده کتاب «سِد نصرالدین» و زینب زارع، نماینده انتشارات سوره مهر پخش شد. کتاب سِد نصرالدین روایت نویسنده از محل زندگی‌اش است که خاطرات کودکی و نوجوانی خود را در قالب طنز و اصطلاحات کوچه و بازار از محله سید نصرالدین بازار تهران روایت کرده است.

آرزو داشتم در مدرسه دارالفنون درس بخوانم

خیام درباره شروع نویسندگی خود، گفت: من از کودکی در مدرسه امیرکبیر بودم و آرزو داشتم در مدرسه دارالفنون درس بخوانم. هر روز یادداشت‌هایی را می‌نوشتم و همه آنها را بین صفحه‌های کتاب نگه داشته بودم. سال‌ها گذشت بعد از ازدواج و فارغ شدن از جنگ، تصمیم گرفتم که خاطرات خود را بنویسم. حدود پنج سال پیش با تشویق همسرم نگارش این کتاب را شروع کردم. ناصر فیض مشوق اصلی من برای نوشتن کتاب بود و از من خواست که به شکل طنز آن را محاوره کنم.

وی در ادامه، افزود: هدف من از نوشتن این کتاب، آشنایی با فرهنگ‌های معنوی بود و نکته مهم این کتاب، معنویت آن است. آداب و رسوم آن زمان در ایام محرم و اعتقاد مردم به عزاداری امام حسین(ع) از نکات مورد توجه این کتاب است که در قالب زبان محاوره و با اصطلاحات کوچه و بازار نوشته شده است.

خاطرات طنز مترو

این نویسنده درخصوص نوشتن ادامه خاطرات خود و چاپ کتاب جدید، بیان کرد: بعد از اتمام این کتاب، قصد داشتم کتابی درباره دفاع‌مقدس و خاطراتم از زمان جنگ بنویسم. از سال ۵۷ که واقعه پاوه رخ داد، تصمیم گرفتم آنها را مکتوب کنم اما به دلایلی منصرف شدم و کار نیمه‌تمام ماند. به پیشنهاد ناصر فیض و سیدمحمد سادات‌اخوی، خاطرات اجتماعی‌ام را نوشتم. من خاطرات طنز بسیاری در مترو داشتم و موضوعی که بسیار مهم بود، افرادی بودند که در خارج از محیط خانه بودند که به آنها نپرداخته بودم. این افراد شخصیت‌هایی بودند که در زندگی من بسیار تأثیرگذار بودند و از نظرم نگارش خاطرات آنها می‌تواند یاد آنها را زنده نگه دارد.

تا سال ۶۵ در جنگ بودم

او درباره آشنایی خود با شهید چمران و پیوند با فضای جنگ، گفت: جنگ ۳۱ شهریور ۵۹ شروع شد و واقعه پاوه ۲۵ مرداد ۵۸ اتفاق افتاد که بیشتر از یک‌سال قبل از شروع جنگ بود. با شهید چمران و خانوده ایشان آشنایی داشتیم و منزل‌مان نزدیک هم بود. من آن زمان در کمیته بودم و فرمانده کمیته شهید سیدمجتبی هاشمی، فرمانده منطقه۹ بود اما ارتباط ما به دوران قبل از کمیته و جنگ برمی‌گردد.

با شروع غائله پاوه، با گروه فدائیان اسلام به فرماندهی سیدمجتبی هاشمی به مریوان و پاوه رفتیم. نزدیک پنج‌ماه با سیدمجتبی هاشمی و شهید چمران در منطقه بودیم. شهرهای اطراف نقده، پاوه، بانه و مریوان ناامن بود و آن را پاکسازی کردیم. بعد از شش‌ماه به تهران آمدیم که واقعه نقده رخ داد. سال ۵۹ که جنگ شروع شد با شهید چمران در اهواز ستاد جنگ‌های نامنظم تشکیل شد، رفتیم که استانداری اهواز مرکز آن بود. من تا سال ۶۵ در جنگ بودم و در ارتش خدمت کردم.

زبان محاوره‌ای برای گیرایی و جذابیت کتاب

امیر خیام درباره استفاده از زبان محاوره در کتاب خود گفت: ارزش خانه‌های آن زمان به انسان‌هایش بود و من این ارزش‌ها را در خانه خود و در وجود عموهایم و عزیزجانم دیدم. زبان عزیزجان برای من بسیار شیرین بود و احساس کردم باید نسبت به آن امانت‌دار و وفادار باشم. به همین دلیل از زبان محاوره‌ای برای گیرایی و جذابیت کتاب استفاده کردم.

زبان عزیزجان برای من بسیار شیرین بود و احساس کردم باید نسبت به آن امانت‌دار و وفادار باشم. به همین دلیل از زبان محاوره‌ای برای گیرایی و جذابیت کتاب استفاده کردم

سد نصرالدین با صدای «اردشیر منظم»

در ادامه برنامه زینب زارع، نماینده انتشارات سوره مهر درباره استقبال از کتاب سِد نصرالدین و آثار دفتر طنز، بیان کرد: این کتاب مورد استقبال قرار گرفت و در رسانه‌ها به خوبی دیده شد. ما در انتشارات، مراسم رونمایی از کتاب را داشتیم و همچنین گروه فرهنگی سماوا که زیر نظر انتشارات سوره مهر است در پلتفرم‌هایی که کتاب صوتی ارائه می‌دهد، این کتاب را زیر نظر اردشیر منظم منتشر کرده است. انتشارات سوره مهر بیشتر به عنوان نشر ادبیات دفاع‌مقدس شناخته شده است. با توجه به این‌که در حوزه هنری، دفتر طنز داریم، چند سالی است روی این بخش متمرکز هستیم که کتاب‌های طنز با سختگیری‌های کمتر، چاپ شود و بیشتر مورد استقبال قرار گیرد.

پرفروش‌های نمایشگاه ۳۴

وی درباره استقبال مخاطبان در نمایشگاه کتاب از انتشارات و کتاب‌های پرفروش آن، گفت: در نمایشگاه استقبال بسیار خوبی داشتیم که کتاب‌های «عصرهای کریسکان» اثر کیانوش گلزار راغب، «مهاجر سرزمین آفتاب» اثر حمید حسام و مسعود امیرخانی، «حاج جلال» نوشته لیلا نظری گیلانده، «آبنبات هِل‌دار» داستانی طنز به قلم مهرداد صدقی و آثار فاضل نظری بیشترین میزان فروش را داشته‌است. همچنین سه جلدی سرگذشت استعمار اثر نشر مهرک است که از کتاب‌های کودک و نوجوان سوره مهر است، بنا به تأکید مقام معظم رهبری که خواندن آن را به جوانان و نوجوانان توصیه کرده بودند از پرفروش‌های این مجموعه بوده است.

گفتنی است، برنامه جلد دوم هر هفته دوشنبه‌ها ساعت ۱۸ به صورت زنده در ketab.tv پخش می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برنامه را از آرشیو این تلویزیون در سایت تلویزیون مشاهده کنند.